

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن میباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین - دهم جنوری 2013

## ابعاد شخصیت استاد سخن،

### فخر الشعراء "اسیر"

به تعقیب پیشنهاد مؤرخ 26 دسمبر 2012 دو تن از همکاران دائمی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - الحاج خلیل الله "ناظم باختری" و این جانب خلیل الله "معروفی" - مبنی بر انتخاب فخر الشعراء استاد "اسیر"، به کرسی ملک الشعرائی در غربت و هجرت: شخصیت استاد اسیر را از دو بُعد مطالعه میکنم؛ بعد شعری و ادبی و بُعد انسانی و بالخاصه اجتماعی - سیاسی. فکر میکنم که همین دو نکته معیار تمام عیار است برای محک زدن مسأله:

#### بُعد شعری و ادبی:

گرچه این نکته بی نیاز از شرح و بیان است و هرکه اشعار استاد را به غور مرور کرده، به حیثیت شعری استاد پی برده است. با آن هم مختصراً نکته ای چند را پیش میکشیم: استاد "اسیر" مستقیماً پیش هیچ استادی زانوی تلمذ نزد؛ و اگر زانو زد، در پیشگاه فطرت و استعداد خداداد خود استاد بود.

خیلی بیشتر از یک هزار پارچه شعر استاد را - که بیشترین آنها در هیئت غزل سروده شده است - با دقت از نظر گذشتانده ام، ولی در هیچ کدام آنها حتی در یک بیت و یک مصراع هم، مشکل عروضی نیافتیم. کلام استاد "اسیر" روان است و بدون ثقلت و تعقید. استاد "اسیر" به روانی آب روان شعر میگوید و به زلالی آب چشمه و کهریز. زمانی اشعار شیخ اجل سعدی

شیرازی را "سهل مُمتنع" مینامیدند. مگر؛ اگر در روزگار ما از "سهل ممتنع" سخن رود، بدون شک و شبهه و بی گپ و گوی، شعر استاد سخن "اسیر" را باید بدین صفت موصوف ساخت!!! سلاست، سلامت، نهماری و مختلف الطیف بودن اشعار استاد "اسیر" در حدی ست که حتی حسدورزان هم نمیتوانند، منکر آن گردند.

در بسا اشعار شعرای نامدار قدیم و مُعاصر، باید کلمات را خلاف معمول، کوتاه یا کشال تلفظ کرد، یا اینکه کلمات را تا سرحد تلفظ عامیانه نزول داد، تا وزن عروضی شعر برابر گردد. در اشعار استاد "اسیر" مگر چنین کمبود و نقصی سراغ ندارم.

### بعد انسانی و سیاسی - اجتماعی استاد:

گذشته از معاییر قدیم که بر عروض و قافیه و صنایع لفظی ابتناء دارند، و اشعار استاد را در ذُروه و معراج سخن قرار میدهند، باید اشعار استاد را از نگاه محتوای مترقی و انسانی آن مد نظر گرفت. استاد اسیر بیشتر از شست سال است که در عرصه شعر و ادب وطن حضور فعال دارد و خوشبختانه که در تمام این مدت هم‌نوا با جنبشهای ملی مترقی و پیشرو حرکت کرده است. استاد اسیر در هیچ زمانی در برابر استبداد و ارتجاع و استعمار خاموشی اختیار نکرده است، بلکه این پدیده‌های مضمئر کننده بشریت را در هر زمان با تیغ برّان و شمشیر پرصلابت سخن، مردوار نواخته است.

قسمت اول مجموعه اشعار استاد زیر نام "فریاد اسیر" که در سال 2010 چاپ گردیده و در دسترس ادب‌دوستان و عاشقان شعر قرار گرفت، حدوداً چار صد و پنجاه صفحه را احتواء میکنند. از جمله این چار صد و پنجاه صفحه، دقیقاً 150 صفحه - یعنی یک ثلث آن - اشعار سیاسی را در بر میگیرد، که ضمن آن از وطن و مردم و آزادی و عدالت اجتماعی و مقابله با ستم و استبداد و ارتجاع و بیگانه پرستی و استعمار، داد سخن داده است. استاد "اسیر" رسالت و تعهد سخن و شعر را نکو دریافته و در هر موردی حق مطلب را اداء کرده اند.

استاد "اسیر"، اسیر حبّ وطن و مردم و آزادی ست. استاد اسیری ست آزاده از بند تعصب و تنگنظری؛ نه تعصب تباری را می‌شناسد و نه تعصب زبانی و مذهبی و منطقه‌ئی را.

- شمال و جنوب و شرق و غرب و قلب وطن برایش یکسان عزیز است و این را از خلال گفتار شهوار استاد به صراحت میتوان دریافت.

- استاد در گذر درخت شنگ که یکی از مناطق بی شمار سنی نشین کابل است، دیده بدنیا کشود و همدرانجا پرورده گشت. بعدها مدت مدید بیست سال را در قورتای چنداول - که قلب یکی از مناطق شیعه نشین کابل است - در کمال امن و امان بسر برد.

– استاد در حالی که خود دری زبان است، به زبان ارجمند پشتو نیز عشق میورزد و این دو زبان را چون مردمک چشم میپرستد.

– استاد "اسیر" انسانی ست متواضع، فروتن و شکسته نفس؛ بری از غرور و خودنمایی و همه اسباب تکبر و خودخواهی. سال گذشته وقتی با دوستان همراه به زیارت استاد رسیدیم، این نکته را عملاً و به چشم سر هم دریافتم. استاد در پائین ترین نقطه اتاق و در دم دروازه نشسته بودند و چنان که معلوم شد، همان نقطه جای همیشگی استاد بوده است.

– چنان که گفتم، استاد همعنان با عصر خود حرکت کرده؛ رسالت زمان خود را درست درک کرده و پا به پای افکار ملی و مترقی گام نهاده است. استاد با تمام مظاهر ستم به مبارزه برخاسته است؛ استبداد و ارتجاع و استعمار و تجاوز و اشغال وطن و بیگانه پرستی را پیوسته با شلاق گزنده سخن مینوازد.

استاد به ارزشهای والای فرهنگی ما و خصوصاً فرهنگ کابلی که به مانند کونگومراتی مُحکم نمایندگی از فرهنگهای تمام نقاط وطن میکند، عشق میورزد. زبان عوام را که زبان قشرهای محروم جامعه است، از دل و جان میپرستد.

خلص کلام؛ استاد "اسیر" ابعاد و خصوصیتی دارند، که همه یکجائی در وجود هیچ شاعر دیگر افغان سراغ نمیگردد. اگر با معیارهای استاد سخن و فخرالشعراء "اسیر" بسنجیم، هر شاعر دیگر افغان، ولو باصطلاح "هرقدر مطرح" هم باشد، پایش میلغزد و ناکام میماند.

و به حیث مؤخره کلام:

از میان صدها قطعه شعر سیاسی استاد "اسیر" که در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نشر گردیده است، منظومه ای را نقل میکنم که در رثای فرزند کبیر مردم افغانستان و مبارز جانباز وطن "محمودی بزرگ" سروده است. برای اینکه حق مطلب درست و با وفاداری و امانت تام اداء گردد، همان صفحه محتوی این منظومه را بعینه نقل میکنم:

» 20 می 2012

### یادداشت پورتال

پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" افتخار دارد که منظومه استاد سخن و فخرالشعراء، استاد محمد نسیم "اسیر" را که در سوگ ابرمرد مبارز افغانستان، داکتر محمودی فقید سروده شده است، بار اول به پیشگاه هموطنان گرامی ما تقدیم میدارد.

یاد محمودی بزرگ گرامی باد!

اداره پورتال AA-AA

## در رثای بزرگمرد مبارز وطن داکتر عبدالرحمان محمودی فقید

این مسدس را که در میزان 1340 ش در شهر مزار شریف سروده شده است،  
بعد از گذشت پنجاه و یک سال بدست نشر میسپارم:

ای آسمان فرو شو و ای کهکشان بریز      ای کهکشان شراره غم بر جهان بریز  
ای آفتاب شعله شو و ز آسمان بریز      وی در تو هرچه هست عیان و نهان، بریز  
ای چرخ واژگونه، برو واژگونه تر  
باری زبر به زیر کن، و زیر بر زبر  
ای کوه لرزشی کن و آتش ز دل بر آر      ای رعد غرشی کن و برقی فرو ببار  
ای ابر تیره، از افق تار روزگار      طوفان وحشتی به جهان ساز آشکار  
بر مرگ رادمرد شهید ره وطن  
«محمودی» آن مبارز خوابیده در کفن

ای روز تیره شو چو شب تاریک      ای شب سیاهتر شو ازین تیره بخت مان  
ای شور و ناله با دل ما باش همعنان      ای لرزه خاانه کن به بون کاخ خائن  
کامروز نیست فرصت صبر و دم سکون  
از دیده خون بریز که روز است روز خون

«محمودی» آن ستاره امید و آرزو      آن یکه تاز معرکه حفظ آبرو  
با خائنین مبارزه ها کرد روبرو      مردانه و دلیر، به پا خاسته همچو کو  
اما هزار حیف، که این زبده ام  
از دفتر وجود بشد، رهرو عدم

«محمودی» آن شهید ره اعتلای خلق      «محمودی» آن نشسته بخون از برای خلق  
شد عاقبت به گوشه زندان برای خلق      «محمودی» آن مؤسس شور و ندای خلق  
آن رهبر مبارز و آن مشت آهنین  
بس پنجه نرم کرد به همراه خائنین

این خطه را که دست خیانت خراب کرد      خاکش به باد داد و بنایش به آب کرد  
محمودی اش بخون دل خود خضاب کرد      آخـر به آرزو نرسید و شتاب کرد  
در تیره خاک جای گرفت و ز دیده رفت  
دامن ز چنگ الفت یاران کشیده رفت

ملکی که اندروست وکیل و وزیر دزد      شه دزد و شیخ دزد و رئیس و دبیر دزد  
کابینه جمله دزد و مُعین و سفیر دزد      تا بنگری، "جوان همگی تا به پیر" دزد  
دارد زمام ملک به کف خیل رهـزنان  
"محمودی" ای دریغ ازین غم، سپرد جان

ای قوم! ای شکسته به بیداد و آزمون      تا چند خواب غفلت و آرامش و سکون  
یکبار، باز مرحله ضعف کن برون      یک شب، شب مبارزه، یک روز روز خون  
این لکه سیاه، زدایید ز دامنـت  
تا کی چنین مذلت و تا چند مسکنـت

ای روح پاک، ای به تو ایمان انقلاب      ای رهنما و رهبر و ای جان انقلاب  
رفتی اگرچه با غم و حرمان انقلاب      بفرست ز آسمان خط و فرمان انقلاب  
گیرم ز قاتلان تو، تا خونبهای تو  
سرهای پرغرور، شود خم به پای تو

ای نام تو به صفحه تاریخ، جاودان      رفتی و نام تو نرود هرگز از جهان  
آسوده باش کز پی تو، جمع دوستان      برپـا کنند جنبش موزون و راستان  
بر مسلک مبارزه ات دوستان روند  
آنان که نقش پای تو ببند، چنان روند

ای آنکه نیکخوی و نکونام زیستی      برتر ز آدمی و نکـو آدمیستی  
میگویمت که چیستی و یـا که کیستی      هستی به سینه های همه، گرچه نیستی  
ای کشتی شکسته ما را تو ناخدا  
وی کاروان خفته ما را تو رهنما

رفتی ز دیده، دیده ما کار دیده شد      روح دگر به جان محبان دمیده شد  
قامت خمیدگان ستم، قدکشیده شد      بر زعم دشمن، ارچه بساط تو چیده شد  
ای زنده در قلوب همه دوستان خود  
از کف نداده ای به خدا، آشیان خود

تو زنده ای، از آنکه به دلهاست جای تو      دارد طنین به گوش جوانان صدای تو  
سرها همه فرو شده یکسر به پای تو      آخـر برآوردند، همه مدعای تو  
گویند مرده ای، نه به والله نمرده ای  
جاوید زنده ای تو، و جاوید زنده ای

( م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت ) «